شهرآرا

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرمسئول: سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۵
نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRARANEWS.IR
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

اشنبه
سال هفدهم
۲۳ فروردین ۱۴۰۵
۲۳ شوال ۱۴۴۷
شماره ۴۷۳۳

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۲:۲۰	غروب آفتاب ۱۸:۰۲:۳۷	اذان مغرب ۱۸:۲۱:۱۸	
نیمه شب شرعی ۲۲:۴۸:۰۶	اذان صبح فردا ۰۳:۳۳:۳۵	طلوع آفتاب فردا ۰۵:۰۲:۰۲	

امام علی(ع):

به حکمرانان خود، خیانت نکنید و با رهبرانتان ناراست مباشید و امانتان را نادیده نگیرید. از ریسمان [الهیِ] خود دست برندارید، که سست می‌شوید و اقتدارتان از بین می‌رود.

الکافی: جلد، صفحه ۴۰۵، حدیث ۳

اول شخص

فرمانده‌ای برای روزهای طوفانی

روایتی از نقش محمدباقر قالیباف در میدان جنگ و هدایت تیم مذاکره‌کننده ایران در اسلام‌آباد

امیررضا وثوقی| محمدباقر قالیباف را بسیاری «مرد روزهای سخت» می‌دانند؛ مدیری که ریشه‌های کنش او نه در اتاق‌های آرام اداری، بلکه در میدان‌های واقعی نبرد شکل گرفته است. او از فرماندهان دوران دفاع مقدس است؛ کسی که در سخت‌ترین جبهه‌ها فرماندهی کرد و دربرابر دشمن ایستاد. اما پس از پایان جنگ نیز تفنگش را زمین نگذاشت؛ فقط میدان عوض شد. از مدیریت شهری تا مسئولیت‌های کلان ملی، در بسیاری از بزنگاه‌ها پرچم‌دار تصمیم‌ها و اقداماتی بود که آثارش هنوز در حافظه عمومی باقی مانده است.

نمایش قدرت در آسمان و زمین

یکی از نمادین‌ترین لحظات این روحیه جهادی و ایستادگی، زمانی بود که در اوج تهدیدهای رژیم اسرائیل بر آسمان لبنان شخصا فرمان هواپیما را در دست گرفت و با مانور در آسمان این کشور در فرودگاه بیروت فرود آمد. این اقدام فقط یک سفر معمولی نبود؛ پیامی آشکار از ایستادگی و یادآوری اینکه ایران از تهدید هراسی ندارد، همان روحیه‌ای که در جنگ اخیر نیز در سخنان و مواضع او دیده شد.

فرمانده جنگ روایت‌ها

در روزهای پرتلاطم جنگ اخیر که میدان نبرد تنها به موشک و پهپاد محدود نبود، جبهه‌ای دیگر در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت؛ جایی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، با توئیت‌ها و روایت‌سازی‌های متناقض تلاش می‌کرد افکار عمومی و بازارهای جهانی را مدیریت و حتی شکست‌ها را به پیروزی تبدیل کند. در چنین فضایی هر جمله ازسوی مسئولان ایرانی می‌توانست شمشیری دولبه باشد؛ یا خوراک تبلیغاتی دشمن شود یا ورق بازی رسانه‌ای را برگرداند و در این بزنگاه، قالیباف پس از شهادت برخی چهره‌های اثرگذار کشورمان، بار سنگین پاسخگویی و شکستن روایت‌های دشمن را تا حد زیادی به دوش کشید.

او بی‌اغراق یکی از چهره‌های فعال این میدان بود. توئیت‌ها و مواضع دقیقش بارها در صدر رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت. استفاده از تحلیل‌های کارشناسی، همراه با طنازی خاصی که در برخی پاسخ‌ها دیده می‌شد، علاوه بر آنکه برای افکار عمومی داخلی دل‌گرم‌کننده بود، توانست روایت‌های طراحی‌شده در اتاق‌های رسانه‌ای دشمن را نیز به چالش بکشد. نمونه شاخص آن، زمانی بود که ترامپ از «پیروزی بزرگ» در عملیات شکست‌خورده در خاک کشورمان سخن گفت. قالیباف با انتشار تصویری از بالگردهای سرنگون‌شده آمریکایی در پاسخ نوشت: «اگر ایالات متحده ۳ پیروزی دیگر از این دست به دست آورد، کاملا نابود خواهد شد»؛ جمله‌ای که به‌سرعت در رسانه‌های جهانی بازتاب یافت و تلاش برای ساختن روایت پیروزی را به ضد خود تبدیل کرد.

رجز در میدان، صلابت در مذاکره

اکنون اما با اعلام آتش‌بس موقت و آغاز مذاکرات، همان روحیه در قالبی متفاوت ادامه یافته است. درحالی‌که در میدان نبرد ابتکار عمل در اختیار ایران قرار گرفته و کنترل تنگه هرمز معادلات راهبردی منطقه را تغییر داده، در جبهه دیپلماسی نیز کفه ترازو با حضور او به سود کشورمان سنگین شده است. تیم مذاکره‌کننده ایران در اسلام‌آباد متشکل از چهره‌هایی آزموده و کاربلد است که هم در میدان سیاست و هم در شرایط جنگی تجربه‌اندوزی کرده‌اند و بر خطوط قرمز جمهوری اسلامی تسلط دارند. قالیباف، به‌عنوان سرتیم مذاکره‌کنندگان، به‌خوبی می‌داند نگاه رسانه‌ها و افکار عمومی جهان به این مذاکرات دوخته شده است. ازهمین‌رو، هیئت ایرانی تلاش کرده صدای مظلومیت مردم ایران را به جهان منتقل کند. قراردادن تصاویر کودکان شهید مدرسه میناب در هواپیمای تیم مذاکره‌کننده و نصب نشان مزین به تصویر امام شهید و رهبر معظم انقلاب روی کت قالیباف، پیامی روشن داشت؛ اینکه ایران داغ‌دار است، اما ایستاده. ملتی که اندوه ازدست‌دادن عزیزانش را بر دوش می‌کشد، اما همچنان چون سرو دربرابر فشار و زیاده‌خواهی دشمنان، استوار ایستاده است.

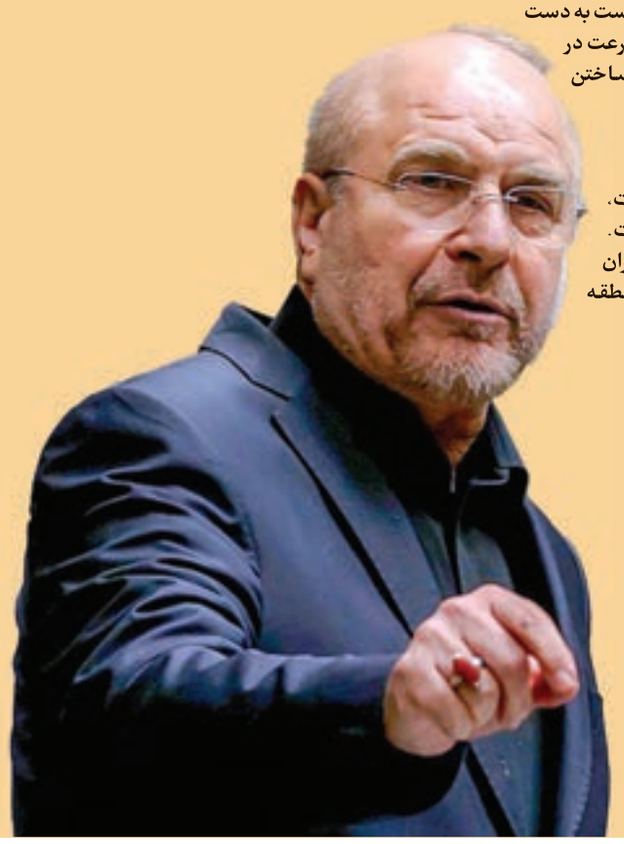

روز واقعه

به امید بارش باران‌های موسمی

آزاده چشمه سنگی
نویسنده

مثلا تعطیلات تمام شده و باید دوباره صبح اول صبحی بیدار شوم و برای دخترک چاشت صبحانه آماده کنم. مثلا روپوش پیش دبستانی اش را اتوکشیده از سر چوب رختی بردارم و موهای ژولیده اش را کنار بزنم و دکمه های بلوزش را یکی یکی ببندم. مثلا موهایش را با حوصله شانه بکشم و سه دسته مو جدا کنم و سفت و محکم ببافم که بعد کلی بازی و پریدن و دویدن، تکان نخورد. مثلا دیگر با دیدن کوله پشتی مدرسه اش، یاد بچه های میناب نمی افتم و بغض نمی کنم و کفش هایش را می گذارم جلوی در و پیشانی اش را می بوسم و به مادر دخترکان مینابی فکر نمی کنم که صبح روز حادثه برای آخرین بار دست تکان دادند و بوسه ای کاشتند روی صورت ماه دخترکانشان. مثلا حالا دیگر دخترک رسیده پیش دبستانی و دوستانش را بعد از دو هفته تعطیلی بغل گرفته و دارند شعر بهار را تمرین می کنند.

مثلا هیچ اتفاقی نیفتاده. مدرسه ای ویران نشده. خون از دماغ کسی زمین نریخته و تیتر یک خبرگزاری هایمان همان موعد توزیع کالابرگ ها و میزان آلاینده های هواست. زور خیالات اما به زیست خاکستری روزهای نیمه دوم فروردین نمی رسد.

باید دخترک را بیدار کنم. چاشتش را بگذارم جلوی تلویزیون و دقیقه ای یک بار بگویم گوشی برای چشم هایت ضرر دارد و تلویزیون کافی است و اگر حوصله اش سر می رود برود سراغ نقاشی. باید صبحانه و نهار را گاهی یکی کنم و شب ها التماس کنم زودتر بخوابد و کمتر بهانه بگیرد. باید خودم را جمع و جور کنم و غذاهای بهتری درست کنم. باید دست و دلم بکشد برنجِ نهار را زعفرانی کنم و برای کتلتِ شام، سبزی خوردن تازه بگیرم.

باید قبول کنم هیچ چیز آن طور که دلمان می خواست پیش نرفت و شعرهای سال نو، توی کلاس های اسفند فراموش شد و روپوش پیش دبستانی ته کمد جاخوش کرد و ظرف چاشت افتاد ته کابینت آشپزخانه. باید قبول کنم و دست به زانو بگیرم و یک روز از همین روزها، دوباره برایش از آن پنکیک های شکلاتی درست کنم که حسابی پف می کرد و خیال کنم تابستان زودتر از موعد، چمدانش را خالی کرده گوشه خانه. این بهار هم مثل نوروزهای کرونا تمام می شود. زندگی به روال سابقش برمی گردد. زخم ها بسته میشود. یادها کم رنگ می شوند. دوباره صدای لخ لخ کفش های بچه ها اول صبح توی کوچه ها می پیچد.

مادرها برای نهار به یک غذای جدید فکر می کنند. پدرها با یک هندوانه سرخ رسیده می آیند و بعدتر، توی سبد میوه های تابستانی آن قدر رنگ پیدا می شود که آدم سیاهی این روزها را آهسته آهسته فراموش کند. فقط باید کمی دیگر صبوری کرد. چشم دوخت به آسمان و امیدوار بود این بار به جای بمب و موشک و ترکش، باران های موسمی به وقت تابستان غافل گیرمان کند.

بی‌درنگ‌های روزهای جنگ

لوزرها و دیگر هیچ

امید مهدی نژاد
شاعر و نویسنده

«لوزر» مفهومی عمیق و پیچیده و چندوجهی است. ما لوزر را به «بازنده» ترجمه می‌کنیم، اما لوزر معنایی فراتر از بازنده دارد. ضمن آنکه در فرهنگ ما «باختن» به معنای از دست رفتن و بی همه چیزشدن نیست. اتفاقا در سپهر اندیشگی ما، باختن گاه می تواند مقدمه ای برای از جا برخاستن و از نو شکفتن باشد.

خود همین بنده حقیر، پیش تر در شعری گفته ام:

بازی ادامه دارد، نوبت به نام ماست
ما تازه بعدِ باختن آغاز می شویم

علاوه بر این بنده حقیر، بزرگان دیگری از مفاخر فرهنگ و ادب نیز در این باره سخن گفته اند. فی المثل جناب مولانا در این بیت مشهورش:

خنک آن قماربازی که بباخت هرچه بودش
بنماند هیچش الا هوس قمار دیگر

توجه دارید؟ طرف هرچه داشته باخته، اما هوس قماری دیگر برایش مانده. یعنی از اسب افتاده، اما از اصل نیفتاده. بازنده، از اسب افتاده است و لوزر از اسب و اصل با هم افتاده. لوزر علاوه بر بازنده، بی حیثیت شده، بی آبروشده، مغبون شده، و ختم کلام بی همه چیز است.

اگر در عالم سیاست، یک لوزر را بخواهیم با انگشت نشان دهیم، شایسته است به پرزیدنت ولادیمیر زلنسکی اشاره کنیم. دلقک سابق و رئیس جمهور فعلی اوکراین که چیزی نمانده است، نداده باشد. شرح چیزهایی که داده و در ازایش چیز خاصی هم نگرفته، مفصل است و در خبرها قابل ردگیری.

این ها را از این باب نگفتم که لوزر یادشده دوره افتاده بود که به کشورک های زیر خلیج فارس سیستم پدافند ضدپهپاد قالب کند. کاسب کار بدی نیست. کاسب حبیب خداست. از باب دیداری گفتم که با یکی دیگر از لوزرهای عالم سیاست داشته است. با اعلیحضرت شازده پهلوی خودمان که البته لوزر بودنش برای بعضی ها هنوز عیان نشده و هنوز دخیلشان را از این امامزاده که کور می کند اما شفا نمی دهد، باز نکرده اند. و دیگر هیچ.

وب گردی

مریل استریپ:

دشمنان ما در ایران نیستند

مریل استریپ، بازیگر مشهور هالیوود و برنده سه جایزه اسکار به پویشی پیوسته که با شعار «دشمنان ما در ایران نیستند، در پرونده های اپستین اند» این روزها با اقبال عمومی در جهان روبه رو شده است. او با پوشیدن تی شرتی که این شعار به همراه تصویر ترامپ به عنوان یکی از متهمان اصلی پرونده جنایتکارانه اپستین روی آن چاپ شده در انظار عمومی ظاهر شده است. حالا تصویر مریل استریپ در بسیاری از رسانه های جهان و شبکه های اجتماعی بازنشر شده و بازدید میلیونی داشته است.

گرام گردی

استاد ارشد دانشگاه شیکاگو:

ایران، چهارمین قدرت جهان است

رابرت پیپ، استاد ارشد دانشگاه شیکاگو با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس از ایران به عنوان چهارمین مرکز قدرت جهان پس از آمریکا و چین و روسیه یاد کرده و نوشته است:

اگر این طرح صلح ۱۰ ماده‌ای که دونالد ترامپ پذیرفته درست باشد، می‌توان آن را یک شکست راهبردی بسیار بزرگ برای آمریکا دانست؛ بزرگ‌ترین ناکامی از زمان جنگ ویتنام. با پایان این جنگ، چهارمین مرکز قدرت جهان هم ظهور کرده و آن ایران است!

کارتون شهر

سید مسعود شجاعی طباطبایی
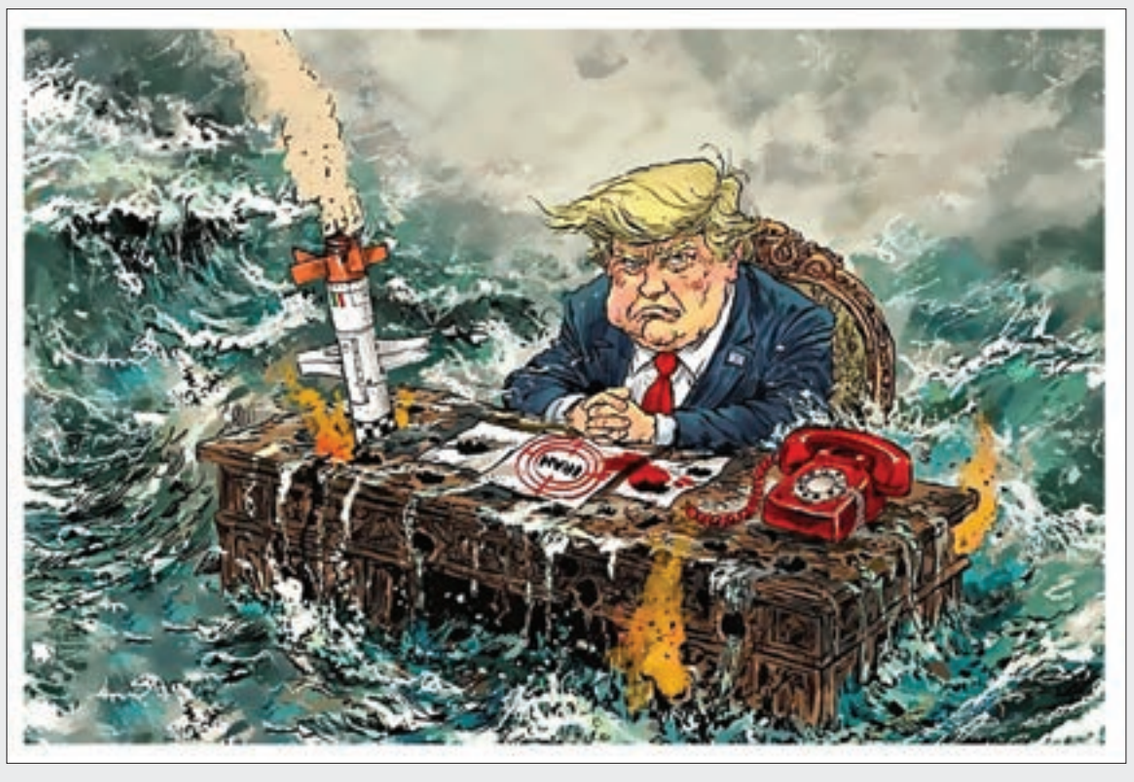
ترامپ که در مخمصه شکست در جنگ با ایران قرار گرفته حالا به دنبال راه نجات از طریق مذاکره است.